

نقد و واکاوی حمله مسلمانان به کاروان‌های تجاری قریش در ماه‌های آغازین هجرت برای کسب درآمد از دیدگاه مستشرقین

مهدیه پاکروان^۱

زهره سالاریان^۲

چکیده: مسلمانان در هجرت مجبور به ترک زندگی و همه سرمایه خود شدند و در اوج سختی و عسرت، زندگی جدید خود را در مدینه آغاز کردند. برخی مستشرقین معتقدند که در این شرایط، مهاجرین مال‌باخته به منظور ایجاد شغل و کسب درآمد کاروان‌های تجاری قریش را هدف حمله و غارت خود قرار دادند. این نوشتار درصدد واکاوی این مسئله است که آیا چنین هدفی می‌تواند علت سرایا و غزوات آغازین بعد از هجرت باشد؟ با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مدینه، روابط تجاری قبایل اطراف مدینه با قریش و پیمان‌های میان اوس و خزرج و قبایل اطراف باید گفت نه تنها این امر نمی‌توانست سبب قوت اقتصادی و کسب درآمد و شغل برای مسلمانان شود، بلکه غارت کاروان‌ها و ایجاد ناامنی در مسیرها اقتصاد مدینه نوپا را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کرد. یهودیان نیز که موقعیت اقتصادی و اجتماعی شان در خطر قرار می‌گرفت در برابر چنین اقداماتی بی‌اعتنا نمی‌ماندند. اتخاذ چنین هدفی نه تنها سبب کسب درآمد نمی‌شد بلکه با در نظر گرفتن مناسبات پیچیده میان قبایل و سایر مؤلفه‌ها، حتی منافع اقتصادی مسلمانان را نیز در خطر قرار می‌داد.

واژه‌های کلیدی: مستشرقین، کاروان تجاری، اقتصاد مدینه، سرایا، غزوات

Criticism and Analysis of Orientalists Views Regarding Muslims' Attacks on Commercial Convoys of Quraysh during the Early Months of Hijrat for Revenue

Mahdiyeh Pakravan¹

Zahra Salarian²

Abstract: Those Muslims who had migrated to Medina had to leave their lives and all their capitals behind. Those who were known as the rich in Mecca began their new life in Medina at the peak of hardship. Some of the orientalist believe that in this situation, the poor migrants started to plunder the merchants of Quraysh in order to create jobs and make money. Considering the economic conditions of Medina and the Quraysh trades with its allies such as Ows and Khazraj and the tribes around Medina, it should be said that not only such a an action could not lead to economic prosperity and earning money and jobs for Muslims, but it could make conditions for the emerging economies to be worsen due to plundering the caravans and insecurity of the routes. The Jews, whose social and economic situations were in danger, could not be indifferent to such actions. Therefore, such a goal is not only seems to be unreasonable, but also is in conflict with the economic interests of Muslims.

Keywords: Orientalists, commercial caravan, Medina economy, plundering, Ghazva, Saria

1 PhD student of Islamic history, Alzahra University (corresponding author)

2 MSc in Islamic philosophy and theology, Qom University

m.pakravan@alzahra.ac.ir

zahrasalarian.s@gmail.com

مقدمه

در سال سیزدهم بعثت مسلمانان تحت شرایط دشواری که قریش فراهم آورده بود مجبور به ترک مکه شدند.^۱ آنها چنان با دست خالی از شهر خود رانده شدند که حیات اقتصادی‌شان در مدینه باید از نو آغاز می‌شد، حال آنکه برخی از این مال باختگان، متمولین مکه بودند.^۲ تعدادی از مهاجرین، مهمان‌خانه‌های انصار و بسیاری از آنها در صفةٔ مسجد مدینه ساکن شدند و به اصحاب صفة شهرت یافتند.^۳ آنان در مسجد می‌خوابیدند، روزها هم همانجا سایه می‌گرفتند و جای دیگری غیر از آن نداشتند. شب‌ها هنگام غذا خوردن، پیامبر(ص) آنها را میان یاران خود تقسیم می‌کرد و برخی نیز با خود ایشان غذا می‌خوردند.^۴

پیامبر(ص) می‌دانست که اگرچه او مکه را ترک کرده است اما مکیان او را رها نکرده‌اند، پس تدابیر ایشان بر زوایایی همه‌جانبه استوار بود تا علاوه بر حل مشکلات معیشتی، ثبات، انسجام و مدیریت کلان شهر نیز حفظ شود. مدینه‌ای که متشکل از گروه‌های مختلفی چون انصار، قبایل یهود و مهاجران بود،^۵ می‌توانست به راحتی در معرض چالش‌ها و اختلافات درونی قرار گیرد و آستان حوادث شود. اقداماتی چون ساخت مسجد، تدوین منشور مدنی و عقد اخوت^۶ در راستای ایجاد کانونی منسجم و ساختارمند حائز اهمیت است. برای مهاجرانی که ۱۳ سال روز و شبشان همراه با تحقیر و خصومت مکیان بود، روشن بود که ایجاد این فاصله جغرافیایی چیزی از حجم دشمنی مکه نکاسته است و اتفاقاً قوت گرفتن استقلال و اقتدار مسلمانان آنها را عصبانی‌تر می‌کرد. پس چنین منطقه آسیب‌پذیری بی‌تردید باید صلابت و نظم نظامی خود را نیز بازسازی می‌کرد تا بتواند آماده هر نوع مخاصمه‌ای باشد. این بستر منطقی و نیز شرایط دشوار اقتصادی مسلمانان، زمینه‌ای برای طرح چنین اندیشه‌ای شده است که بهترین راه برای تأمین معیشت آنان، حمله به کاروان‌های تجاری قریشی بوده است که مسیرشان به شام از اطراف مدینه می‌گذشت.

- ۱ محمد بن سعد (۱۴۱۸)، *الطبقات الکبری*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۲، ص ۱۷۴.
- ۲ به عنوان نمونه صهیب که از جوانان و اشراف بود و مکیان تا شمش و طلاهایش را نگرفتند او را برای خروج رها نکردند: عبدالملک بن هشام [بی تا]، *السیرة النبویة*، به کوشش ابراهیم ابیاری، مصطفی سقا و عبدالحفیظ شلبی، ج ۱، بیروت: دار المعرفة، ص ۴۷۷.
- ۳ دربارهٔ صفة و اهل آن نک: رسول جعفریان (۱۳۸۶)، *آثار اسلامی مکه و مدینه*، تهران: نشر مشعر، ج ۸، صص ۲۲۲-۲۳۴.
- ۴ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۱۹۶.
- ۵ ابن هشام، همان، ج ۱، صص ۵۰۰-۵۰۱.
- ۶ همان، ج ۱، صص ۴۹۶، ۵۰۱-۵۰۲، ۵۰۴-۵۰۷.

مستشرقینی چون مارشال هاجسون،^۱ میرچا الیاده،^۲ مونتگمری وات^۳ و دیوید بوکای^۴ غزوات و سرایای آغازین هجرت را متکی بر این هدف دانسته‌اند.

قبل از جنگ بدر ۸ غزوه و سریه در منابع تاریخی ثبت شده که به نقل واقدی از ماه هفتم هجری آغاز شده است.^۵ این گزارش‌ها به لحاظ تاریخی، اسنادی و اهداف مطرح شده در آنها محل بررسی هستند، ولی هدف این مقاله پرداختن بدان‌ها نیست، بلکه گفتار مستشرقین در نگاهی کلان و با تمرکز بر شرایط اقتصادی مدینه نقد و تحلیل خواهد شد. البته اشاره به این مطلب ضروری است که در هیچ‌یک از این غزوات و سرایا کاروان‌های تجاری قریب مورد حمله قرار نگرفته‌اند، بجز سریه نخله که فرمانده آن مورد توبیخ پیامبر(ص) قرار گرفت^۶ و در تقسیم اموال آن نیز اتفاق نظر وجود ندارد.^۷

ضرورت این تحقیق به جهت اتهامی است که ساحت پیامبر(ص) و مسلمانان را نشانه گرفته و آن‌ها را افرادی غارتگر می‌داند که در اولین اقدامات فرامحلی مدینه، تأمین معاش خود را بر چنین مبنایی استوار کرده‌اند. اگرچه عموم کتب تاریخ اسلام به‌طور مختصر به غزوات و سرایای قبل از بدر اشاره کرده‌اند؛ اما خلأ تحقیقی مستقل که دغدغه این پژوهش را در بر داشته باشد وجود دارد. البته ظفر بنگاش در فصل چهارم کتاب^۸ خود به تحلیل برخی از این سرایا پرداخته است. او ضمن اشاره به برخی قبایل در همسایگی مدینه، پیمان آنها با اوس و خزرج، نزدیکی محل سکناي آنها در اطراف راه‌های تجاری بر آن است که برقراری روابطی دوجانبه با این قبایل از نظر رسول خدا(ص) مغفول نمانده است. نویسنده با به چالش

۱ مارشال هاجسون (Marshall G. S. Hodgson) (۱۹۲۲-۱۹۶۸م)، محقق در زمینه اسلام و مورخ، استاد تاریخ دانشگاه شیکاگو و رئیس کمیسیون چندرشته‌ای تفکر اجتماعی.

۲ میرچا الیاده (Mircea Eliade) (۱۹۰۷-۱۹۸۶م)، از اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان معاصر.

۳ مونتگمری وات (William Montgomery Watt) (۱۹۰۹-۲۰۰۶م)، استاد رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند و اسلام‌شناس معاصر.

۴ دیوید بوکای (David Bukay)، استاد معاصر مطالعات خاورمیانه در دانشگاه حیفا و نویسنده کتاب‌های بنیادگرایی اسلامی و فرهنگ سیاسی عرب.

۵ محمدبن عمر واقدی (۱۴۰۹)، المغازی، به کوشش مارزدن جونز، ج ۱، بیروت: اعلمی، ج ۳، ص ۲.

۶ همان، ج ۱، صص ۶۰۱-۶۰۴.

۷ برای نمونه نک: همان، ج ۱، صص ۶۰۳-۶۰۴؛ احمدبن محمود سیواسی (۱۴۲۷)، عیون التفاسیر، به کوشش بهاء‌الدین دارتما، ج ۱، بیروت: دار صادر، صص ۱۰۶-۱۰۷.

۸ ظفر بنگاش (۱۳۹۲)، دیپلماسی صلح عادلانه در سیره پیامبر اعظم(ص)، ترجمه اکبر بتوئی به سفارش مجمع جهانی صلح اسلامی، تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی، صص ۱۸۹-۲۲۲.

کشیدن هدف غارت و حمله به کاروان‌های تجاری قائل به اهداف استراتژیک با این قبایل در برخی سرایا است. اگرچه اطلاعات کتاب فوق ارزشمند است؛ اما به دغدغه این تحقیق در آن توجهی نشده است، لذا ضرورت این تحقیق همچنان به قوت خود باقی است. در این نوشتار ابتدا شرایط اقتصادی مدینه مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس با بیان دیدگاه مستشرقین به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا کسب درآمد می‌تواند هدف غزوات و سرایای آغازین بعد از هجرت باشد؟ و اساساً آیا حمله به کاروان‌های تجاری می‌توانست سبب قوت اقتصادی مسلمانان شود؟

فعالیت‌های تجاری مدینه

در نگاهی کلی، آب و هوای یثرب نسبت به مکه مناسب‌تر و معتدل‌تر بود. حومه این شهر زمینهٔ فراهم‌تری برای زراعت داشت و خرماي یثرب معروف بود.^۱ در برابر مکه که اقتصادی تجاری داشت، اقتصاد یثرب زراعی بود. البته توصیف زراعی برای یثرب در مقابل مکه‌ای است که بی‌آب و علف بود، نه زراعتی که قابل مقایسه با زراعت مکان‌هایی چون شام و ایران باشد. از سوی دیگر، یثرب به دلیل قرار گرفتن در مسیر راه تجاری به شام از پتانسیل اقتصادی نیز برخوردار بود، اگرچه قوت مکه را نداشت. به‌هرحال این منطقه از قبل از میلاد مسیح شناخته شده بود و جاذبهٔ تجاری منطقه و آب و هوای مناسب زرع آن باعث تکوین مدنیت و استقرار قبایل صحراگرد در این واحه شده بود.^۲ احمد ابراهیم شریف مدل اقتصادی مدینه را متکی بر سه فعالیت عمده دانسته است: کشاورزی، دامداری، تجارت.^۳ تجارت مدینه در دو شاخه جریان داشت: تجارت داخلی، میان اهالی یثرب و نیز با اعرابی که در همسایگی آنها بودند؛ و تجارت خارجی میان بازرگانان مدینه و کشورهای چون روم و ایران. قوم عرب به دلیل زمینهٔ گستردهٔ دادوستد، دارای مدل‌های مختلفی از خرید و فروش بود.^۴ یهودیان ثروتمندی در مدینه ساکن بودند که به نظر می‌رسد نقش قابل توجهی در فعالیت تجاری در حجاز و به‌خصوص در مدینه داشتند، چه در تجارت‌های خارجی و چه در

۱ ابوالفضل بنائی کاشی و دیگران (۱۳۸۹)، *اطلس تاریخ اسلام*، زیر نظر عزیز خوشوقت، ج ۱، تهران: نکا، ص ۳۵۶.

۲ غلامحسین زرگری‌نژاد (۱۳۸۷)، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران: سمت، ج ۵، صص ۱۱۸-۱۲۱.

۳ احمد ابراهیم شریف (۱۹۸۵)، *مکه و المدینه فی الجاهلیة و عهد الرسول*، قاهره: دار الفکر العربی، صص ۳۷۸-۳۸۴.

۴ نک: سعید افغانی (۱۳۹۴)، *اسواق العرب فی الجاهلیة و الاسلام*، بیروت: دار الفکر، ج ۳، صص ۴۶-۵۹؛ سید کاظم صدر (۱۳۷۴)، *اقتصاد صدر اسلام*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج ۱، صص ۱۸-۲۱.

تجارت‌های محلی و موسمی^۱ اطلاعاتی دربارهٔ برخی تاجران‌شان هم در منابع ثبت شده است، مانند ابورافع خیبری که از شام پارچه‌های مختلف می‌آورد^۲ یا آدینه یهودی که چنان در تجارت خبره بود که سبب رشک قریش شد و سرانجام با کشتن او از رقابتش خلاص شدند.^۳ یثربیان با صادرات کالا به شام و نیز با وارد کردن محصولات ضروری (خصوصاً جو و آرد جو) و پارچه‌های گوناگون نقش خود را به عنوان اهرم اقتصادی در این مبادلات دوطرفه حفظ می‌کردند. همچنین مشارکت تجار یثرب در صادرات کندر و مناسبات تجاری یهود با بازرگانان ایران و آشنایی آنها با زبان فارسی از سوی مورخان تأیید شده است.^۴ با این مقدمه، به بررسی دیدگاه برخی از مستشرقین می‌پردازیم که گفته‌اند حمله به کاروان‌های تجاری ضرورتی برای ایجاد شغل و کسب درآمد برای مهاجرین بوده است.

دیدگاه مستشرقین در باب حمله مسلمانان به کاروان‌های تجاری قریش

مارشال هاجسون از لغت «raid» برای اقدام مسلمانان در برابر کاروان‌های تجاری قریش استفاده کرده که به معنی تاخت و تاز، یورش و هجوم آوردن است. او بر آن است که در فرهنگ عرب غارت قبیلهٔ بالاتر توسط قبیلهٔ پایین‌تر به منظور جبران کاستی‌ها امری متداول بود و مسلمانان نیز بعد از هجرت به آن مبادرت کردند. در ادامه می‌گوید: «این کار وسیله‌ای مهم، اگر نگوئیم مطلقاً ضروری، برای مردان محمد برای یافتن یک موقعیت اقتصادی مستقل در مدینه بود. چون بدون آن زندگی و امور اجتماعی جامعهٔ جدید مسلمانان پیشرفت نمی‌کرد و باید همانطور مصنوعی و بدلی باقی می‌ماند».^۵ میرچا الیاده می‌نویسد: «محمد [ص] و مهاجران برای امرار معاش خود مجبور بودند به کاروان‌های مکیان حمله کنند».^۶ مونتگمری وات حمله به کاروان‌های تجاری را در راستای گذران زندگی مهاجرین و کسب درآمد

۱ جواد علی (۱۴۱۳)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۴، بغداد: جامعة بغداد، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲ اسرائیل (ابودؤیب) ولفنسون (۲۰۱۳)، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب (فی الجاهلیة و صدر الاسلام)*، به کوشش مصطفی جواد، بیروت: المرکز الاکادیمی للابحاث، ص ۴۶.

۳ احمد بن یحیی بلاذری (۱۴۱۷)، *انساب الاشراف*، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۱، بیروت: دار الفکر، صص ۷۲-۷۳.

۴ نک: سید احمد رضا خضری و فاطمه احمدوند (۱۳۸۶)، «یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۸۴، صص ۵۴-۵۵.

5 Marshall G. S. Hodgson (2009), *The Venture of Islam, Vol. 1: The Classical Age of Islam*, revised, University of Chicago Press. p. 175.

۶ میرچا الیاده (۱۳۹۶)، *تاریخ اندیشه‌های دینی (از اسلام تا عصر اصلاحات)*، ترجمهٔ مانی صالحی علامه، ج ۳، تهران: نیلوفر، ص ۱۱۰.

می‌داند. طبق نظر او مسلمانان با این کار می‌توانستند راه‌های تجاری را در انحصار خود قرار دهند و شغلشان را از سر بگیرند.^۱

دیوید بوکای نیز حمله به کاروان‌های تجاری قریش را ضرورتی برای ایجاد شغل و درآمد برای مهاجرین دانسته است. او از واژهٔ «plunder» استفاده می‌کند که به معنی غارت، تاراج و چپاول است و می‌گوید شغل اصلی مهاجرین تجارت بود و با کشاورزی آشنایی نداشتند، در نتیجه به تشویق محمد(ص) حمله به کاروان‌های تجاری در رأس برنامه‌های مسلمانان قرار گرفت. سپس او دو دیدگاه مطرح می‌کند. یکی دیدگاه مولوی چراغ‌علی^۲ است که با اشاره به ضعف روایت این حمله‌ها را رفتاری جاهلانه و به دور از شأن پیامبر(ص) می‌خواند. دیدگاه دیگر بر این یورش‌ها صحه می‌گذارد و این اقدامات مبتنی بر دیپلماسی زور و اجبار را ضرورتی برای کسب پول و حفظ جامعه می‌انگارد.^۳

نقد حمله به کاروان‌ها برای ایجاد شغل

در این شکی نیست که مهاجرین در مدینه با شرایط سختی مواجه شدند و در اولین گام باید تلاش می‌کردند تا نیازهای اولیهٔ خود را تأمین کنند. گاهی مهاجرین نزد پیامبر(ص) شکایت می‌کردند که زیاده‌روی در خوردن خرما درون آنها را می‌سوزاند. پیامبر نیز با آنها همدلی می‌کرد و می‌فرمود اگر برای شما نان یا گوشتی می‌یافتم شما را از آن اطعام می‌کردم.^۴ این تنگدستی علاوه بر پیامبر(ص) و مهاجرین حتی متوجه انصار هم شده بود.^۵ اما تکیه بر فقر و تنگدستی یا از دست دادن کسب و کار آیا می‌تواند دلیل چنان ادعایی باشد؟ دلایل زیر بر این سخن مهر بطلان می‌زند:

افرادی چون هاجسون و الیاده که مدعی‌اند هدف مسلمانان در سربیه‌ها کسب شغل و درآمدزایی بوده شاهد و گواهی بر سخن خود ارائه نداده و حرف خود را به هیچ‌گزارهٔ

1 Montgomery Watt, W (1961), *Muhammad: Prophet and Statesman*, Oxford University Press, pp. 104-105.

۲ مولوی چراغ‌علی (Moulavi Geragh Ali) (۱۸۴۴-۱۸۹۵م)، محقق هندی مسلمان در سدهٔ نوزدهم و نویسندهٔ کتاب *اعظم الکلام فی ارتقاء الاسلام به زبان اردو*.

3 Bukay, David. (2011), *From Muhammad to Bin Laden* (Religious and Ideological Sources of the Homicide Bombers Phenomenon), Transaction Publishers, p. 87

۴ احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۱۴۱۵)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، به کوشش عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص ۴۳۳.

۵ همان، ج ۴، صص ۶۱۱-۶۱۲.

تاریخی مستند نکرده‌اند. این مطلب صرف یک ادعاست که رد آن نیاز به دلیل ندارد، بلکه مدعی باید بر سخن خود دلیل اقامه کند و بگوید با اتکاء به کدام سخن برای سرایا اینگونه هدف گذاری کرده‌اند؟ همچنین آنها هیچ توضیحی نداده‌اند که مهاجرین مکی تاجر که تا قبل از هجرت در شهری با بایسته‌های مدنی زندگی کرده‌اند چگونه روحیه کشاورزی نداشتند، اما روحیه قتل و غارت داشتند!

در هیچ کدام از سریه‌ها و غزوات قبل از بدر مال‌التجاره‌ای از قریش به دست مسلمانان نرسیده است، به جز سریه نخله که آن هم غنیمت زیادی نداشت و پیامبر(ص) نیز به دلیل رخ دادن جنگ در ماه حرام اصحاب سریه را نکوهش و غنیمت را ضبط کرد. پیامبر این گروه اعزامی را برای رصد قریش روانه کرده بود و حمله به کاروان تجاری در مأموریت آنها نبوده است.^۱ چنان‌که بیان شد در تقسیم نهایی غنائم نیز اختلافاتی وجود دارد. برخی گفته‌اند غنائم تقسیم شد و برخی گفته‌اند غنیمت و اسیر را به قریش برگرداندند. حتی اگر این اختلاف اقوال را هم در نظر بگیریم، سریه نخله در سال دوم هجری رخ داد و کاروانی که مسلمانان در نزدیکی مکه بدان حمله کردند نیز کاروان کوچکی بوده است. حال اگر امرار معاش مسلمانان در سال‌های اول متکی به کاروان‌های تجاری قریش بوده است؛ صدها مهاجر چگونه زندگی‌شان را تا آن موقع سپری کرده و زنده مانده‌اند؟

اگر برخی خاورشناسان چنین شانی را برای پیامبر(ص) قائل شده‌اند که او برای پیشبرد اهداف و تأمین هزینه‌های مسلمانان غارت را در رأس اهداف خود قرار داد، دیگر لزومی نداشت این استراتژی به زمان، مکان و گروه خاصی محدود شود. به عبارتی، اگر کسب درآمد و شغل علت حمله به کاروان‌های تجاری بوده است، پس باید همه کاروان‌های منطقه را تهدید می‌کردند که البته هیچ منبعی از چنین تهدیدهایی یاد نکرده است. باید در نظر داشت که بجز کاروان‌های قریش کاروان‌های دیگر نیز در این راه‌های تجاری رفت و آمد داشتند.

اگر تأمین مالی هدف سریه‌ها بوده است، چرا در سریه نخله که در آن غنائمی به مدینه رسید این غنائم موجب هیچ شادمانی و رضایتی نشد؟ مسلمانان با آن درجه از عسرت باید به‌خاطر این محموله غنیمتی خوشحال می‌شدند و مال آن را به‌سرعت تقسیم می‌کردند. اگر فقر و گرسنگی، انگیزه حمله به کاروان‌ها بوده، این مسئله دیگر متوقف بر ماه حرام و غیرحرام نمی‌شود، درحالی‌که گزارش‌ها حاکی از آن است که از همان بدو ورود، نه تنها

پیامبر(ص) نسبت به این امر ابراز ناخشنودی کرد، حتی مسلمانان نیز اصحاب سربه را نکوهش کردند و هیچ واکنش مثبتی هم به غنائم نشان ندادند.^۱ البته ممکن است گفته شود این واکنش منفی به شکسته شدن حرمت ماه حرام مربوط است. این سخن صحیح است ولی اگر فقر و گرسنگی را دلیل سربه‌ها بدانیم، کسب غنیمت آن هم در سال دوم هجری که تا قبل از آن نیز هیچ آورده‌ای از کاروان‌های قریش نصیبشان نشده بود، باید حداقلی از آثار رضایت را با خود به همراه بیاورد.

هیچ شاهدهی وجود ندارد که پیامبر(ص) تصرف در مال‌التجارت قریش را به عنوان منبع مالی برای مسلمانان لحاظ یا آنها را بدان تشویق کرده باشد. سربهٔ نخله نیز شاهدهی بر این سخن است. اما در مقابل، قرائنی وجود دارد که مهاجرین به مهارت‌های مختلف روی آوردند و برای بهبود شرایط اقتصادی خود بی‌وقفه تلاش کردند.

اقدامات پیامبر (ص) در مشارکت دادن مهاجرین در فعالیت‌های اقتصادی مدینه

مهاجرین با یاری و همراهی انصار و تشویق‌های پیامبر(ص) نسبت به کسب رزق حلال^۲ و معیشت سالم زندگی را از نو آغاز کردند و در طول زمان مکاسب مختلف را در شهر رونق بخشیدند. آنها بعد از هجرت در مزارع و نخلستان‌های انصار به کشاورزی روی آوردند و با انصار در ثلث یا ربع محصولات آنها شریک شدند.^۳ عبدالعزیزبن‌ادریس دربارهٔ وضعیت اقتصادی مردم مدینه می‌نویسد: از عواملی که در بهبود زراعت و پیشرفت زیاد آن در مدینه نقش داشت، شمار انبوه مهاجرینی بود که به زراعت پرداختند و زمین‌های کشاورزی را به شکل گسترده مورد بهره‌برداری قرار دادند. آنها وادی‌های اطراف را آباد کردند، مانند وادی بطحان و اراضی غابه. همچنین در وادی قنات مزارعی را به کشت گندم اختصاص دادند.^۴ آورده‌اند که طلحة بن عبیدالله تمیمی از مهاجرین، نخستین کسی بود که در وادی قنات در شمال مدینه گندم کاشت.^۵ این امور به تدریج باعث نقطه‌عطفی در زراعت یثرب شد تا جایی

۱ واقدی، همان، ج ۱، ص ۱۶.

۲ دربارهٔ روایات پیامبر(ص) در این موضوع نک: محمد ری شهری (۱۴۲۹)، حکم‌النبی‌الاعظم(ص)، ج ۷، قم: دار الحدیث، صص ۱۵-۱۹.

۳ محمدبن‌اسماعیل بخاری (۱۴۰۱)، صحیح، ج ۳، استانبول: دار الطباعة العامرة، افسست دار الفکر، ص ۶۸.

۴ دربارهٔ شرایط اقتصادی مدینه نک: عبدالله عبدالعزیزبن‌ادریس (۱۴۰۲)، مجتمع‌المدینة فی عهد‌الرسول(ص)، ریاض: جامعة الملك سعود، الباب الثالث، الفصل الثاني: الحالة الاقتصادية فی المدینة المنورة خلال العصر النبوی، صص ۲۰۱-۲۲۵.

۵ ابن‌سعد، همان، ج ۳، ص ۱۶۶.

که به نظر محققان، بعد از هجرت مدینه، در محاصره باغ‌ها و درختان قرار گرفت. از سوی دیگر، روند احیای اراضی موات نیز از سوی مسلمانان دنبال شد و هر کس زمینی از این اراضی را آباد می‌کرد، از آن او می‌شد. همچنین پیامبر (ص) اراضی موات و مناطقی را که انصار به آن حضرت می‌بخشیدند، به صورت اقطاع^۱ در اختیار مهاجرین قرار می‌داد.^۲

به هر حال، تشویق و توصیه‌های پیامبر (ص) بی‌شک در رونق اقتصاد و تأمین معیشت مهاجرین تأثیر بسزایی داشته است. ایشان می‌فرمود کسی که از دسترنج خویش معیشت کند، دوست خداست و هر کس خسته از جستجوی مال حلال روز را به شب آورد، روز را آمرزیده به شب رسانده است، و از محبت خدا به بندگانی می‌گفت که در طلب رزق حلال رنج و زحمت می‌کشند.^۳ این آموزه‌ها در تکاپوی مسلمانان سهم عمده‌ای داشت. کثانی از بسیاری از مشاغل و حرفه‌ها از جمله بزازی، عطر فروشی، پوست دوزی، دباغی، هیزم کشی، نساجی، نجاری، تصویرگری، نقاشی، آهنگری و ... در مدینه یاد می‌کند که مسلمانان بدان اشتغال داشتند.^۴ به عبارتی در مدینه همه چیز مثل یک زندگی عادی جریان داشت و پیامبر (ص) با تشویق و توصیه به کسب حلال بر رونق و برکت زندگی آنها می‌افزود.

پیامدهای منفی حمله به کاروان‌ها

در ادامه با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مدینه، به این سؤال پاسخ می‌دهیم که حمله به کاروان‌ها آیا اساساً به نفع مسلمانان بوده و آیا این سیاست توسعه و رونق اقتصادی شهر را در پی داشته است؟

۱. ضرورت امنیت مسیرهای تجاری و تعامل نیکو با قبایل اطراف

به جای گذاشتن همه زندگی و سرمایه در مکه برای اغلب مهاجرین آنها را از کسب و کوشش باز نداشت و آنان در مدینه تلاش معیشتی خود را آغاز کردند. فعالیت‌های بازرگانی مسلمانان نیز بعد از هجرت افزایش یافت، زیرا مهاجران کار تجاری خود را به مدینه منتقل

۱ واگذاری زمین یا منافع حاصل از آن برای زمانی محدود یا نامحدود به کسی از سوی حاکم را اقطاع می‌گویند. (محمد عبدالرحمان عبدالمنعم (۱۴۱۹)، معجم المصطلحات والفاظ الفقهية، ج ۱، قاهره: دار الفیلة، ص ۲۶۷.
 ۲ برای نمونه نک: سلیمان بن اشعث ابوداود سجستانی (۱۴۱۰)، سنن، به کوشش سعید محمد لحام، ج ۲، دار الفکر، کتاب الخراج والامارة والقی، باب «فی اقطاع الارضین» و «فی احیاء الموات»، صص ۴۷-۵۲؛ خضری و احمدوند، همان، ص ۵۷.
 ۳ ری شهری، همان، ج ۷، صص ۱۷-۱۸.
 ۴ نک: محمد عبدالحی کثانی اَبی‌تأ، الترتیب الاداریة، ج ۲، بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم، ج ۲، صص ۱۰۶-۱۰۸.

کردند. آنها همراه با ممارست در تجارت داخلی و ساماندهی آن، به تجارت خارجی هم رو آوردند و اقدام به سفرهای تجاری بین مدینه، شام و بصری کردند.^۱ مانند سفرهای تجاری طلحة بن عبدالله و زبیر بن عوام و سعید بن زید به شام،^۲ یا سفرهای تجاری ابامعق انصاری که با سرمایهٔ خود و دیگران تجارت می‌کرد.^۳ سعد قرظ (سعد بن عائذ) نیز با توصیه پیامبر (ص) به خرید و فروش پوست درخت «قرظ» (که در دباغی به کار می‌رود) مشغول شد.^۴ دربارهٔ عبدالرحمن بن عوف آمده است که وقتی به مدینه رسید، پیامبر (ص) بین او و سعد بن ربیع انصاری عقد برادری بست. سعد که از ثروتمندان مدینه بود می‌خواست او را در مال خود شریک کند ولی عبدالرحمن قبول نکرد و گفت مرا به بازار راهنمایی کنید و به خرید و فروش مشغول شد. او در کسبش موفق بود، و از وی نقل شده که من چنان خیر و برکتی دیدم که امیدوار بودم هر سنگی را بردارم زیر آن سیم و زر پیدا کنم.^۵ پیامبر (ص) در شهر بازاری برای مسلمانان احداث کرد تا آنان به لحاظ اقتصادی مستقل شوند.^۶ بازارهای مدینه بعد از هجرت تعدادشان افزایش یافت.^۷ با توجه به آشنایی مهاجرین با تجارت، این بازارها در طول زمان از رونق خوبی برخوردار شدند.

غفاری اقدامات پیامبر (ص) برای فراهم کردن امکانات تولید و اشتغال در مدینه را در ده زمینه جمع‌آوری کرده است، از جمله آنکه می‌نویسد: پیامبر (ص) با عقد قرارداد مضاربه و تهیهٔ سرمایه و امکانات حمل و نقل، تجارت را از انحصار عده‌ای خاص درآورد و افراد علاقه‌مند به تجارت را به این کار فراخواند و بدین ترتیب، راه خودکفایی و کسب معاش را

۱ برای نمونه: یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۱۴۱۲)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، به کوشش علی محمد بجاوی، ج ۴، بیروت: دار البیجل، صص ۱۵۲۶-۱۵۲۷؛ نک: علی بن محمد بن مسعود خزاعی (۱۴۰۵)، *تخریج الدلالات السمعیة*، به کوشش احسان عباس، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ص ۶۸۷ به بعد.

۲ ابن عبدالبر، همان، ج ۲، صص ۵۱۴، ۶۱۴-۶۱۵، ۷۶۴-۷۶۵.

۳ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۷، صص ۳۱۳-۳۱۴.

۴ ابن سعد، همان، ج ۳، ص ۹۳؛ عبدالله بن محمد بغوی (۱۴۲۱)، *معجم الصحابة*، تحقیق محمد امین بن محمد محمود احمد جکنی، ج ۳، کویت: مکتبة الدار البیان، صص ۳۹-۴۰.

۵ ابن سعد، همان، ج ۳، ص ۹۳.

۶ احمد بن علی مقریزی (۱۴۲۰)، *امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفدة والمتاع*، به کوشش محمد عبدالحمید نمیسی، ج ۹، بیروت: دار الکتب العلمیة، صص ۳۶۲-۳۶۳.

۷ مثلاً بازارهای بقیع الزبیر، بنی ساعده و مهزور را پیامبر (ص) تأسیس کرد. نک: علی بن احمد سمهودی (۲۰۰۶)، *وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی*، به کوشش خالد عبد الغنی محفوظ، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص ۲۵۷؛ نک: سید احمد رضا خضری و احمد فلاح‌زاده (۱۳۹۲)، «نظام حاکم بر بازارهای شبه‌جزیره در دو زمانهٔ جاهلی و عصر نبوی»، *فصلنامهٔ مطالعات تاریخ اسلام*، س ۵، ش ۱۹، صص ۲۵-۲۸.

برای مهاجر و انصار هموار ساخت.^۱ از برخی صحابه نقل شده که ما در زمان پیامبر(ص) تاجر بودیم. در ادامه روایت آنها در این حوزه از پیامبر(ص) سؤالاتی کرده و پاسخ آن را دریافت می‌کنند.^۲

از سوی دیگر، اهمیت اقتصاد و نحوه فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان نزد نبی(ص) چنان بود که خود به تنظیم و نظارت بر امور دادوستد همت گماشت. ذکر شده که پیامبر(ص) از کنار مردی عبور کرد که غذایی می‌فروخت، مرد فروشنده چیز تقلبی را وارد غذا کرد. پیامبر(ص) فرمود: کسی که در کار خود تقلب کند از ما نیست.^۳

با چنین دقت نظری روشن است که ایشان از سایر مؤلفه‌های ضروری در گسترش این امر غفلت نکرده‌اند. در همین زمینه، یکی از شاخص‌های تجارت موفق وجود مسیرها و شرایط ایمن برای حمل و نقل و تبادل کالاهاست. به همین جهت است که پیمان‌های تجاری قریش با قبایل بین راه اهمیت بسزایی داشت. سابقه این پیمان‌ها دیرین بود و به زمان هاشم جد سوم پیامبر برمی‌گشت^۴ و باعث ایجاد امنیت و در نتیجه رونق تجارت مکیان شد. بازار مدینه هم در صورتی رونق پیدا می‌کرد که بازرگانان می‌توانستند در فضایی ایمن به تجارت مشغول شوند. آنها که هم خریدار کالاهای تجاری کاروان‌ها بودند و هم فروشنده محصولات زراعی. با در نظر گرفتن تکاپوی تجاری بازارها و مراودات دوسویه، روشن است حمله به کاروان‌ها تبعاتی به بار می‌آورد و موجب ناآرامی‌هایی در منطقه می‌شد که نتیجه سوء آن اول به خود مدینه آسیب می‌رساند، زیرا تجارت پیش از هر چیز به نظام و فضایی امن نیاز دارد. تاجر مکی با همان تجربه‌ها و مهارت‌هایی که در تجارت داشتند به مدینه آمده بودند و به‌خوبی به این امر واقف بودند که پیشتر، پیشرفت تجارتشان در گرو فضای امنی بود که در مکه و حاشیه آن ایجاد شده بود. ایجاد ناامنی در مسیرهای تجاری اطراف مدینه یا خلل در کار کاروان‌های تجاری قطعاً کار تجار این شهر را نیز با مشکلاتی مواجه می‌کرد. آن‌هم مهاجرینی که بنیة اقتصادی چندان نداشتند و اگر می‌خواستند به تجارت رو آورند، باید با مال‌التجاره‌ای محدود شروع می‌کردند و مسلماً نسبت به قافله‌های بزرگ مکه بسیار آسیب‌پذیرتر بودند.

۱ هادی غفاری (۱۳۹۰)، *نظام اقتصادی صدر اسلام* (رشته اقتصاد)، تهران: دانشگاه پیام نور، ج ۳، صص ۳۷-۳۹.

۲ احمد عجاج کرمی (۱۴۲۷)، *الادارة فی عصر الرسول(ص)*، قاهره: دار السلام، ص ۱۷۲.

۳ عبدالله بن محمد بن ابی‌شبهه ابی‌تال، *مسند*، به کوشش عادل بن یوسف غزوی و احمد فرید مزیدی، ج ۲، ریاض: دار الوطن، ص ۲۳۳.

۴ جواد علی، همان، ج ۷، صص ۳۰۲-۳۰۳؛ زرگری‌نژاد، همان، ص ۱۱۳.

بنابراین، سیاست حمله به کاروان‌ها علاوه بر رونق فرهنگ غارتگری می‌توانست موجب تضعیف تجارت در میان خود مسلمانان نیز باشد؛ در حالی که چنین حوادثی ثبت نشده و بر رونق بازار مدینه در طول زمان افزوده شده است. ابن‌ادریس می‌گوید قبایل مجاور مدینه نقش گسترده‌ای در رشد و رونق اقتصادی بازارهای مدینه داشتند. گروه‌هایی از این قبایل که به بازار مدینه می‌آمدند انواع کالاها را برای خرید و فروش در طول سال به همراه داشتند.^۱ کالاهایی که آنان در بازار عرضه می‌کردند شتر و گوسفند^۲ و از محصولاتی که از مدینه می‌خریدند خرما بود.^۳ لازمهٔ چنین امری تعامل نیکو با این قبایل بوده است و در پی این روابط مسالمت‌آمیز، آنها با مدینه دادوستد داشته‌اند.

۲. فراهم شدن زمینهٔ جنگ‌های منطقه‌ای به دلیل نفوذ قریش در منطقه

اگرچه پیامبر(ص) کوشید تا مناسبات مطلوبی با قبایل اطراف خود برقرار کند، ولی قوت روابطی که این قبایل تحت پیمان‌های خدمات تجاری یا سیاسی با مکه داشتند بسی عمیق و ریشه‌دارتر بود. بنابراین، هر نوع بحرانی در این مسیرها می‌توانست امنیت مدینه را از طریق این قبایل به شدت متزلزل کند. سیطرهٔ قریش در منطقه را نباید دست کم گرفت. القاب «جیران الله»، «آل الله» و «سکان حرم الله»^۴ نشان از اعتباری دارد که آنها نزد بادیه‌نشینان و قبایل مختلف داشتند. این سلطهٔ منطقه‌ای همیشه برای مسلمانان تهدید حساب می‌شد، زیرا یکی از بهترین راه‌ها برای قریشی دور از مدینه تأثیر بر همین قبایل نزدیک بود تا آنها را در برابر مسلمانان تهییج کند.

این در حالی بود که در آغاز هجرت، هنوز شناخت عمیق و کافی نسبت به پیامبر(ص) و دعوتش وجود نداشت. مسلمانان در مکه چنان تحت فشار بودند که مجال کافی برای دعوت در سایر نقاط پیدا نکرده بودند. در مقابل قریش با نفوذ بسیارش، پیامبر(ص) و آئینش برای قبایل همچنان ناشناخته بود. در چنین شرایطی، حمله به کاروان‌های مکه می‌توانست برگ برنده‌ای برای مکه باشد تا بتواند قبایل مختلف را با خود در ضدیت با مدینه همراه کند؛

۱ عبدالعزیزبن‌ادریس، همان، صص ۲۱۲.

۲ سمهودی، همان، ج ۲، ص ۲۶۱.

۳ علی‌بن‌حسن‌بن‌عساکر (۱۴۱۵)، تاریخ مدینه دمشق، به کوشش علی شیری، ج ۷۳، بیروت: دار الفکر، صص ۱۰۲-۱۰۳.

۴ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۵۲؛ محمدبن‌احمدذهبی (۱۴۰۹)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، ج ۱، بیروت: دار الکتاب العربی، ج ۲، ص ۲۵.

زیرا تجارت امری یک‌سویه نیست و به‌خصوص در تجارت‌های کلان به خاطر دادوستدی که میان دو طرف انجام می‌شود، هر دو عوایدی از یکدیگر دارند. کاروان‌های بزرگ تجاری قریش مسیری طولانی را طی می‌کردند. آنها در بازارهای مختلف حجاز و نیز غزه و شام و فلسطین شرکت و با آنان تبادلات کالا داشتند. باید در نظر داشت که بخش عمده‌ای از حیات قبایل در گرو حرکت همین کاروان‌های تجاری قریش بود که سرپرست شاخص‌ترین محموله‌های تجاری منطقه بودند. به عبارتی این کاروان‌ها علاوه بر آنکه برای قریش دارای اهمیت بسیار بودند برای قبایل بین راه نیز مهم بودند. حمله به آنها به‌راحتی می‌توانست اسباب جنگ‌های قبیله‌ای را فراهم کند و حتی موجب ائتلافی ضد مدینه شود.

از سوی دیگر تضادهای اعتقادی بدویان با مسلمانان و علاقه به غارت مدینه از جمله عوامل تمایل بدویان به همکاری با قریش در حرکت‌های ایذایی یا اقدامات نظامی مستقل بر ضد مدینه بود.^۱ مدینه پیش از این طعم تلخ جنگ را چشیده بود، اما جنگ‌های قبایله‌ای و داخلی بود، نه جنگ‌هایی بر سر حمله کاروان‌ها و غارت آنها و نه راهزنی در مسیرهای تجاری چون عملکرد قطاع‌الطریقان. اهل مدینه از همان جنگ‌ها هم خسته بودند. آنها نمی‌خواستند اختلافات میان قبیله‌ای‌شان فروکش کند و به‌جای آن گرفتار درگیری با سایر قبایل شوند. برخی قبایل اطراف مدینه هم پیمانان اوس یا خزرج بودند.^۲ با در نظر گرفتن روابط پیچیده قبایل با یکدیگر و نیز با قریش، حمله به کاروان‌های تجاری می‌توانست به معنی اعلان خطر و جنگ اقتصادی پیامبر(ص) با طرف‌های تجاری مکه یا حتی یثرب نیز تلقی شود، زیرا منافع آنها هم در خطر قرار می‌گرفت. با این حساب آیا مدینه این آمادگی را داشت که چنین هزینه‌ای را به جامعه استوارنشده مسلمانان تحمیل کند؟ پاسخ منفی است و چنین اتفاقی هم نیفتاده است. در اخبار سریه‌ها و غزوه‌ها تا زمان فتح مکه - اگرچه بسیاری از آنها با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند - نشانی از جنگ‌های اقتصادی قبایل با مدینه دیده نمی‌شود.

پیامبر(ص) جنگ‌های سخت زمان جاهلیت مانند فجار چهارم،^۳ یوم‌السلان^۴ و

۱ زرگری‌نژاد، همان، ص ۳۶۸.

۲ علی‌بن‌محمد بن‌اثیر (۱۳۸۵)، *الکامل فی‌التاریخ*، ج ۱، بیروت: دار صادر/دار بیروت، ص ۶۸۰.

۳ ابن‌هشام، همان، ج ۱، صص ۱۸۴-۱۸۷؛ محمدبن‌حبيب هاشمی بغدادی (۱۴۰۵)، *المنطق فی‌اخبار قریش*، به کوشش خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم‌الکتب، صص ۱۶۴-۱۸۱.

۴ محمد احمد عباد مولى بك و علی محمد بجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم (بی‌تا)، *ایم‌العرب فی‌الجاهلیة*، بیروت: المكتبة العصرية، صص ۱۰۷-۱۰۸.

یوم‌الصفه^۱ که بر سر حمله به کاروان‌ها برپا شده بود را فراموش نکرده بود و نمی‌خواست دوباره این شعله‌ها برافروخته شود. ممکن است گفته شود انصار با پیمان عقبه و دعوت پیامبر(ص) دشمنی قریش را به جان خریده و آمادهٔ هر حادثه‌ای بوده‌اند. البته تردیدی نیست که آنها با درک دشواری شرایط مسلمانان و سرسختی ستیزه‌گران با پیامبر بیعت کردند، اما این بدین معنی نیست که در همان ماه‌های اول، همهٔ اهل شهر پذیرای پیامبری شده باشند که ناامن کردن مسیرهای اطراف مدینه را در رأس برنامه‌های خود قرار داده باشد. آنها برای دفاع از پیامبر(ص) هم‌قسم شدند و دفاع با هجوم به کاروان‌های تجاری تفاوتی بسیار دارد.

۳. یهودیان و عدم تحمل عوامل منفی بر بازارهایشان

یهودیان در یثرب از قدرت مالی بالایی برخوردار بودند و بازار مشهور یثرب، بازار قینقاع از بازارهایی بود که آنها متولی‌اش بودند.^۲ آنان از آغاز روابطشان بر دشمنی با مسلمانان شکل گرفت تا جایی که حتی تحمل بازار مسلمانان را در نزدیکی خود نداشتند، مبادا که از رونق کسب و کارشان کاسته شود. به همین جهت، کعب بن اشرف - از بزرگان یهود- طناب‌های بازار مسلمانان را پاره کرد و پیامبر(ص) آن را به جای دیگری منتقل کرد.^۳ حال این یهودیان که تحمل بازار مسلمانان را نیاوردند چگونه ممکن است به سیاست حمله به کاروان‌ها و ناامن کردن راه‌ها هیچ اعتراضی نکرده باشند؟ درحالی که این مسئله می‌توانست مستقیماً بر تجارت و رونق کسب و کار مدینه اثر بگذارد. به‌هرحال، متحدین قریش و قبایلی که حافظ منافع قریش بودند با چنین شیخون‌هایی مقابله به مثل می‌کردند و باید در نظر داشت که بخش مهمی از اقتصاد بازار مدینه در دست یهودیان بود. البته ممکن است گفته شود حتی اگر چنین باشد، این تهدید متوجه مسلمانان می‌شد و نه یهود. در پاسخ باید گفت درست است که یهودیان بازار مستقل داشتند، اما به‌هرحال، زندگی مسلمانان و یهودیان و خرید و فروش و معاملاتشان در مدینه درهم تنیده بود و نمی‌توان گفت کاروان‌ها و تشکیلات تجاری آنها کاملاً مستقل از مسلمانان بوده است.^۴ این تنیدگی روابط اقتصادی تا حدی بود که در سال

۱ همان، صص ۲-۵.

۲ یاقوت حموی (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج ۴، بیروت: دار صادر، ج ۲، ص ۴۲۴؛ دربارهٔ بازارهای مدینه نک: عمر بن شبه نمیری (۱۴۱۰)، *تاریخ المدینة المنورة*، به کوشش فهیم محمد شلتوت، ج ۱، قم: دار الفکر، صص ۲۰۴-۳۰۶.

۳ مقریزی، همان، ج ۹، صص ۳۶۲-۳۶۳؛ سمهودی، همان، ج ۲، ص ۲۵۷.

۴ برای نمونه نک: واقدی، همان، ج ۱، صص ۴۰۱-۴۰۲؛ بخاری، همان، ج ۳، ص ۸؛ ری شهری، همان، ج ۵، صص ۵۲۴-۵۲۵.

پنجم هجری در جنگ خندق مسلمانان از یهودیان بنی قریظه ابزار و تجهیزات امانت گرفتند.^۱ تهدید اقتصادی مدینه و مقابله به مثل از سوی قریش در برابر حمله به کاروان‌های تجاری می‌توانست موجب خصومت‌های جدیدی در منطقه شود. به نظر می‌رسد موج این تلاطم دامن یهود و موقعیت اقتصادی آنها را هم می‌گرفت و در این صورت، نمی‌توان از آنان انتظار سکوت داشت. همان یهودیانی که همواره در پی همدستی با ستیزه‌گران برای ضربه زدن به مسلمانان بودند.

کوتاه سخن اینکه حمله به کاروان‌های تجاری برای رفع مشکلات اقتصادی مدینه تبعاتی در پی داشت که نمی‌توان از آنها صرف نظر کرد. این هدف عکس‌العمل‌های متقابلی را از جانب قریش و متحدین برمی‌انگیخت که پیامدهای بدتری برای اقتصاد نوپای مدینه به همراه داشت. علاوه بر آن، در گزارش‌های تاریخی ردپایی از هیچ یک از این حوادث، یعنی مقابله به مثل کاروانی، از سوی قبایل بر ضد مدینه دیده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

اگر پیامبر(ص) به عنوان امیر مدینه، در همان آغاز که هنوز با جامعه‌ای ناهمگون طرف بود سیاست حمله به کاروان‌ها را در پیش می‌گرفت، تبعات مختلفی به بار می‌آورد. میان قریش با قبایل اطراف مدینه از یک‌سو و میان اوس و خزرج و قبایل از سویی دیگر حلف‌هایی وجود داشت و اصولاً جامعه عرب جامعه‌ای مبتنی بر پیمان‌های مختلف بود. نگرش‌های رقابت‌آمیز بی‌رحمانه‌ای میان قبایل در شبه‌جزیره حاکم بود. با در نظر گرفتن این درهم‌تنیدگی روابط قبیله‌ای، حمله به کاروان‌ها اسباب بروز اختلافات و تنش‌های جدیدی را فراهم می‌کرد. از سوی دیگر یهودیان که موقعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان در خطر قرار می‌گرفت نیز در برابر چنین اقدامی بی‌اعتنا نمی‌ماندند.

همراهی این شهر با سیاستی مبتنی بر حمله به قریش، آن هم نه به قصد دفاع بلکه برای یافتن یک موقعیت اقتصادی و آن هم نه در برابر سپاه مکه بلکه در برابر کاروان‌های تجاری، محل تردید جدی است. کسانی که چنین ادعایی کرده‌اند شاهی از شرایط مدینه نیآورده‌اند و این تحلیل خود را بر هیچ گزاره تاریخی مبتنی نکرده‌اند که چگونه با در نظر گرفتن شرایط

پیچیده مدینه چنین استراتژی‌ای تدبیر شد و چه عکس‌العمل‌ها و واکنش‌هایی در پی داشت. تحریر این هدف برای غزوات و سرایای آغاز هجرت یعنی کسب شغل و درآمد برای مسلمانان، از سوی مستشرقینی چون هاجسون، الیاده، موتگمری وات و بوکای نه تنها متکی به شواهد تاریخی نیست بلکه با شرایط اقتصادی مدینه و تلاش پیامبر(ص) برای استقرار مهاجرین و امرار معاش بهینهٔ آنها نیز در تضاد است؛ غارت کاروان‌ها و ایجاد ناامنی در مسیرها اقتصاد مدینهٔ نوپا را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کرد.

حمله و غارت مال التجاره قریش به عنوان هدف غزوات و سرایای آغازین بعد از هجرت، از جهاتی دیگر نیز به نقد و بررسی نیاز دارد؛ مباحثی چون تحلیل گزارش‌های تاریخی این سرایا، بررسی مناسبات مسلمانان با قریش و نیز با قبایل اطراف، انتقام در سیره نبوی، نقد صفت قاطع نسبت به پیامبر(ص) و بررسی اسنادی این گزارش‌ها. در سایه این نقد همه‌جانبه گزارش‌های حمله به کاروان‌های تجاری باید به دنبال پاسخ دادن به این پرسش بود که پس اهداف غزوات و سرایای قبل از بدر چه بوده است؟ این موضوع محل تحقیق و کاوشی دیگر است.

منابع و مأخذ

- ابن‌ابی‌شیبہ، عبدالله بن محمد [بی‌تا]، مسند، به کوشش عادل بن یوسف غزاوی و احمد فرید مزیدی، ریاض: دار الوطن.
- ابن‌اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر و دار بیروت.
- ابن حبیب هاشمی بغدادی، محمد (۱۴۰۵)، *المنطق فی اخبار قریش*، به کوشش خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، به کوشش عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌سعد، محمد (۱۴۱۸)، *الطبقات الکبری*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌شبه نمیری، عمر (۱۴۱۰)، *تاریخ المدینة المنورة*، به کوشش فهیم محمد شلتوت، قم: دار الفکر.
- ابن‌عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، به کوشش علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن‌عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵)، *تاریخ مدینة دمشق*، به کوشش علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌هشام، عبدالملک [بی‌تا]، *السیرة النبویة*، به کوشش ابراهیم ایاری، مصطفی سقا و عبدالحفیظ شلی،

- بیروت: دار المعرفة.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰)، سنن، به کوشش سعید محمد لحم، دار الفکر.
 - افغانی، سعید (۱۳۹۴)، اسواق العرب فی الجاهلیة و الاسلام، بیروت: دار الفکر.
 - الیاده، میرچا (۱۳۹۶)، تاریخ اندیشه‌های دینی ۳ (از اسلام تا عصر اصلاحات)، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نیلوفر.
 - بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱)، صحیح، استانبول: دار الطباعة العامرة، افست دار الفکر.
 - بغوی، عبدالله بن محمد (۱۴۲۱)، معجم الصحابة، تحقیق محمد امین بن محمد محمود احمد جکنی، کویت: مکتبه الدار البیان.
 - بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
 - بنائی کاشی، ابوالفضل و دیگران (۱۳۸۹)، اطلس تاریخ اسلام، زیر نظر عزیز خوشوقت، تهران: نکا.
 - جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: نشر مشعر.
 - جواد علی (۱۴۱۳)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد: جامعة بغداد.
 - خزاعی، علی بن محمد بن مسعود (۱۴۰۵)، تخریج الدلالات السمعیة، به کوشش احسان عباس، بیروت: دار العرب الاسلامی.
 - خضری، سیداحمد رضا و فاطمه احمدوند (۱۳۸۶)، «یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۴، صص ۴۷-۶۶.
 - ---- و فلاح زاده، احمد (۱۳۹۲)، «نظام حاکم بر بازارهای شبه جزیره در دو زمانه جاهلی و عصر نبوی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۵، ش ۱۹، صص ۹-۴۸.
 - ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۹)، تاریخ الاسلام و وقایع المشاهیر و الاعلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الكتاب العربی.
 - ری شهری، محمد (۱۴۲۹)، حکم النبی الاعظم (ص)، قم: دار الحدیث.
 - زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سمت.
 - سمهودی، علی بن احمد (۲۰۰۶)، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، به کوشش خالد عبد الغنی محفوظ، بیروت: دار الکتب العلمیة.
 - سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷)، عیون التفسیر، به کوشش بهاء الدین دارتما، بیروت: دار صادر.
 - شریف، احمد ابراهیم (۱۹۸۵)، مکه و المدینة فی الجاهلیة و عهد الرسول، قاهره: دار الفکر العربی.
 - صدر، سید کاظم (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 - عبدالعزیز بن ادیس، عبدالله (۱۴۰۲)، مجتمع المدینة فی عهد الرسول (ص)، ریاض: جامعة الملك سعود.
 - عبدالمنعم، محمد عبدالرحمان (۱۴۱۹)، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقہیة، قاهره: دار الفزیلة.
 - غفاری، هادی (۱۳۹۰)، نظام اقتصادی صدر اسلام (رشته اقتصاد)، تهران: دانشگاه پیام نور.

- کنانی، محمد عبدالحی [بی‌تا]، *التراکب الاداریة*، بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم.
- کرمی، احمد عجاج (۱۴۲۷)، *الادارة فی عصر الرسول (ص)*، قاهره: دار السلام.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰)، *امتاع الاسماع بما للنسی من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع*، به کوشش محمد عبدالحمید نمیسی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مولی بک، محمد احمد عباد و علی محمد بجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم [بی‌تا]، *ایام العرب فی الجاهلیة*، بیروت: المکتبة العصریة.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، *المغازی*، به کوشش مارزدن جونز، بیروت: اعلمی.
- ولفنسون، اسرائیل (ابوذویب) (۲۰۱۳)، *تاریخ الیهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام*، به کوشش مصطفی جواد، بیروت: المرکز الاکادیمی للابحاث.
- یاقوت حموی (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- Bukay, David (2011), *From Muhammad to Bin Laden (Religious and Ideological Sources of the Homicide Bombers Phenomenon)*, Transaction Publishers.
- Hodgson, Marshall G. S. (2009), *The Venture of Islam (vol.1: The Classical Age of Islam)*, revised, University of Chicago Press.
- Montgomery Watt, W (1961), *Muhammad: Prophet and Statesman*, Oxford University Press.

